



غم تان نابود، نوروزتان پیروز رزمتان کامیاب!

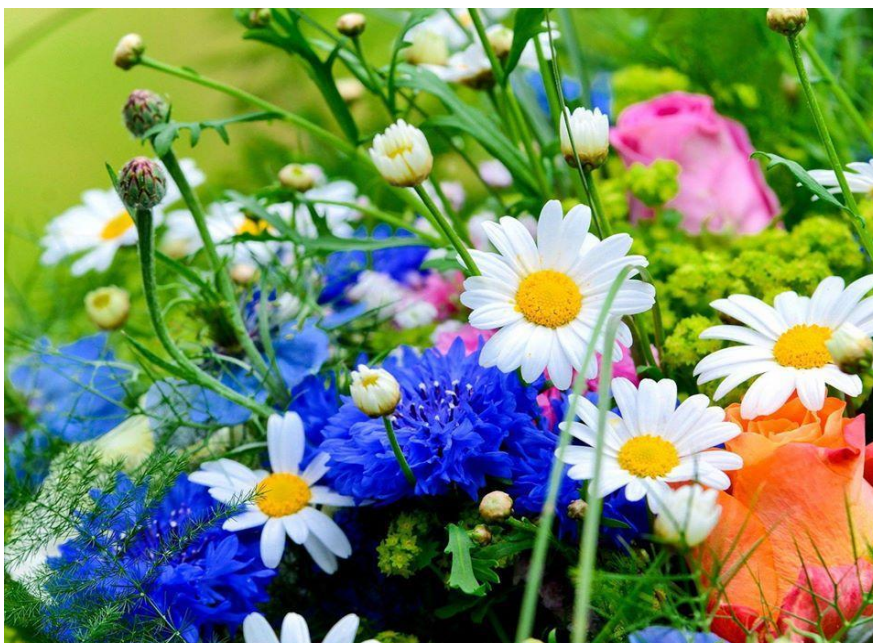
جنگ کارگری

هم میهنان عزیز؛ سال پرفراز و نشیب ۹۸ با همه رویدادهای تلخ و شیرین و مشکلات و دشواریهای آن تا چند روز دیگر با آمدن نوروز و بهار بسر می‌رسد و جایش را به سال ۹۹ می‌دهد. متأسفانه امسال در آستانه‌ی نوروز خانواده‌های بسیاری عزادار جان باختن عزیزان‌شان در خیزش آبان ماه و در اثر شیوع ویروس کرونا هستند، هزاران نفر از خانواده‌ها نگران سلامتی عزیزان زندانی‌شان و ده‌ها میلیون ایرانی نیز در نگرانی و اضطراب ناشی از اپیدمی کرونا به سر می‌برند. ده‌ها هزار نفر دیگر که تنها در یک ماه گذشته شغل و منابع درآمدشان را از دست داده‌اند، نگران آینده‌ی شغلی و تامین معیشت خانواده‌هایشان هستند. این در حالی است که بی‌اعتمادی به حکومت و مسئولین در ارتباط با مدیریت کرونا و دیگر بحران‌ها و اعتراض به ناکارآمدی و سرکوب در میان مردم موج می‌زند. متأسفانه این مسائل شادی نوروز و آمدن بهار را امسال از خود متأثر نموده‌اند. با این همه وجود هیچیک از اینها تبریک گفتن نوروز را منتفی نمی‌کند.

ما فرا رسیدن عید نوروز و آغاز سال نو را که طی بیش از ۲ هزار سال منشا امید و تحول و مایه‌ی قوت قلب ما در شرایط خوب و بد بوده است، به هم میهنان عزیز تهنیت گفته و آرزو می‌کنیم که کارشناسان پزشکی و کادر درمانی فداکار و پرتلاش کشور با مساعی خود و در پرتو همبستگی و همراهی و کمک مردم موفق شوند اپیدمی کرونا را مغلوب نمایند و مردم ما بتوانند گام‌های بزرگی برای آزادی مبارزان آزادیخواه از زندان‌ها و خلاصی کشور از سیطره رژیم مستبد و فاسد که سر منشا بحران‌ها و فقر و بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه است به پیش بردارند. درود ویژه نوروزی ما به زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها و به پرستاران، پزشکان و کارکنان بیمارستانها به واسطه تلاشهای فداکارانه‌ای که به رغم نداشتن امکانات حفاظتی و ایمنی در این شرایط بحرانی برای مداوای بیماران انجام می‌دهند.

غم تان نابود، نوروزتان پیروز، رزمتان کامیاب!

۲۸ اسفند ۱۳۹۸





بحران‌های اقتصادی ناشی از کرونا در راه هستند

مراد رضایی

خبر بد اینکه، ابتلا به ویروس کرونا، با تمام نبود امکانات و دروغ‌گویی سران جمهوری اسلامی، همچنان با شیب صعودی در کشور ادامه دارد. و خبر بدتر اینکه حتی پس از پایان این موج همه‌گیری ویروس کرونا، اقتصاد آسیب‌پذیر ایران تا مدت‌ها، و معیشت رنجور طبقه‌ی کارگر تا مدت‌های بیشتر، تحت تأثیرات منفی این بیماری همه‌گیر خواهد بود. در دو شماره‌ی پیشین جنگ کارگری، یکبار به آسیب‌های اقتصادی آنی ویروس کرونا و بار دیگر به طور مشخص‌تر به کارکنان حوزه‌ی سلامت پرداخته شد. در این شماره، نگاه دقیق‌تری به آسیب‌های اقتصادی میان مدت و طولانی مدت ویروس کرونا خواهیم داشت:

یک- انتظار می‌رفت که با توجه به پیشنهاد قرنطینه‌ی خانگی توسط نهادهای بهداشتی و درمانی، کارگران موقتاً بتوانند بدون حضور در محل کار، از طریق منابع سازمان تامین اجتماعی، که از جیب خود کارگران تامین می‌شود، حداقل تا زمان کنترل ویروس کرونا در خانه بمانند. اما این مساله عملاً محقق نشد و سازمان تامین اجتماعی تنها گفته است دستمزد کارگران مبتلا به این بیماری را، با تایید پزشک، پرداخت خواهد کرد. موضوع مبهم در این میان، حق بیمه‌ی کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور است. کارگران این مشاغل در صورت تداوم پرداخت حق بیمه به مدت بیست سال، می‌توانند پیش از موعد سی ساله، و پس از بیست سال کار بازنشسته شوند. مشروط به اینکه حق بیمه‌ی آنها بدون وقفه‌ی زمانی پرداخت شود. در نتیجه به نظر می‌رسد این یک ماه دستمزد پرداختی توسط تامین اجتماعی، به قیمت ده سال کار بیشتر برای این کارگران تمام شود!

دو- موضوع دیگر، مساله‌ی کارگران با قرارداد موقت کوتاه و همچنین کارگران روزمزد است. این کارگران حتی از آن حداقل‌هایی که در بند اول به آن‌ها اشاره شد، بی‌بهره می‌مانند. با وجود اشاراتی که سران جمهوری اسلامی، و حتی رئیس قوه‌ی قضاییه به وضعیت این کارگران در شرایط بیماری کرونا داشته‌اند، عملاً هیچ نهادی مسئول و متصدی رفع نیازهای معیشتی این کارگران نشده است. روزهای سخت فعلی، روزهای سخت‌تری را در آینده‌ی نزدیک برای آن‌ها رقم خواهد زد.

سه- شرکت توریستی علی بابا، با انتشار بیانیه‌ی مدعی شد پس از شیوع ویروس کرونا و لغو بیش از ۸۰ درصد سفرها، ناچار است ۱۸۲ نفر از کارمندان خود را تعدیل کند. این تنها یک نمونه از ده‌ها نمونه‌ی دیگر است. هتل‌ها، شرکت‌های مسافربری، شبکه‌ی راه آهن که مدت‌هاست بخش عمده‌ی آن به بخش خصوصی واگذار شده است و خلاصه تمام حوزه‌های شغلی مرتبط با سفر، به سرعت در حال اخراج و بیکارسازی نیروهای خود هستند. البته قانون کار، این شیوه از اخراج را ممنوع می‌داند. اما سود، در وضعیت سرمایه‌داری همواره مهم‌تر از قانون است.

چهار- هفته‌ی گذشته خبر عجیب، و البته غم‌انگیزی از سوی سیدمالک حسینی، سرپرست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی اعلام شد «به دلیل شیوع بیماری کرونا، زباله‌گردی ممنوع شد!» این یعنی تاکنون زباله‌گردی به عنوان یک شغل کاملاً معمولی و متداول تلقی می‌شده است. هر چند گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که



کودکان زباله‌گرد، که به عنوان نیروهای شرکت‌های طرف قرارداد شهرداری‌ها، در میان زباله‌ها دنبال لقمه نانی می‌گردند، هنوز هم به کار ادامه می‌دهند. با این تفاوت که حالا باید دور از چشم مامورین شهرداری، و در تاریکی شب کار کنند. سرپرست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی گفته است «طبق بررسی‌ها و به دلیل شرایط خاص کنونی به‌طور جدی به بحث کودکان زباله‌گرد ورود می‌کنیم. در حال حاضر می‌توان با برخی اقدامات قضایی حضور کودکان کار در سطح شهر را محدود کرد.» و این یعنی بگیر و ببند و تعقیب قضایی برای این کودکان معصوم.

واقعیت این است که مسئولین جمهوری اسلامی، یا عمداً و یا سهواً این واقعیت ساده را درک نمی‌کنند که کودک زباله‌گرد، عاشق زباله و سطل‌های نارنجی رنگ نیست. غم نان و کمک به وضعیت معیشتی خانوار است که کودک را مجبور به این کار طاقت‌فرسا می‌کند. بنابراین راه حل آن، نه بگیر و ببند قضایی، که تامین هزینه‌های زندگی خانواده‌های این کودکان است.

پنج- شورای عالی کار، که مسئول تعیین حداقل دستمزد کارگری است، با بهانه‌ی ترس از کرونا، هنوز برای تعیین دستمزد سال آینده تشکیل جلسه نداده است. احتمالاً این حضرات، که روسا و دوستانشان، به صورت شبانه‌روزی به رصد فضای مجازی می‌پردازند تا افراد معترض در این فضا را شناسایی و بازداشت کنند، هنوز با امکانات فضای مجازی آشنا نیستند. ده‌ها پلتفرم برای جلسات مجازی وجود دارد. و اگر بهانه این است که این پلتفرم‌ها خارجی هستند و امکان درز محتوای جلسات وجود دارد، می‌توانند از نرم‌افزارهای داخلی برای برگزاری جلسات استفاده کنند.

اما درد آن‌ها چیز دیگری است. اگر برگزاری جلسات تعیین حداقل حقوق به اردیبهشت یا حتی فروردین موکول شود، شورای عالی کار حداقل یکی دو ماه فرجه به کارفرمایان داده است که با دستمزدهای سال پیش به استثمار کارگران بپردازند. اگر سال‌های گذشته، اعتراض کارگران و فعالان کارگری به نتایج جلسات این افراد بود که دستمزد را متناسب با تورم افزایش نمی‌دادند، امسال اعتراض به این است که چرا اصلاً جلسه‌ای برگزار نمی‌کنند!

شش- اما یک فاجعه‌ی طولانی مدت ترسناک نیز در اثر کرونا، در انتظار اقتصاد ایران است. لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۹۹ که مجلس فعلی تصویب آن را به مجلس بعدی واگذار کرده است، یک کسری بزرگ دارد. علی سعدوندی، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، سه ماه قبل در مورد لایحه‌ی بودجه گفته بود «کسری بودجه عملیاتی سال ۹۹، ۲۶۰ هزار میلیارد تومان است و با احتساب هزینه‌ها به رقم ۳۶۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.» کارشناسان اقتصادی مختلف، کسری بودجه‌ی سال آینده را از حداقل ۵۵ هزار میلیارد تومان تا ۳۶۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده بودند. اما اساس این تحلیل این بود که طبق لایحه‌ی بودجه، جمهوری اسلامی بتواند با قیمت متوسط ۵۰ دلار در هر بشکه، نفت بفروشد. نفت برنت، که یکی از مراجع قیمت‌گذاری نفت است و همیشه قیمت آن، به دلیل سبک بودنش حدود بیست درصد گران‌تر از نفت ایران بوده است، در اثر بحران جهانی کرونا، به قیمت ۳۰ دلار رسیده است. با این حساب نفت ایران با توجه به تحریم‌های آمریکا از یک سو و کیفیت نفت از سوی دیگر، احتمالاً حداقل تا دو الی سه ماه آینده قیمتی بیش از ۲۰ تا ۲۵ دلار نخواهد داشت که استخراج آن از نظر فنی حتی صرفه‌ی اقتصادی ندارد! بودجه‌ای که با نفت ۵۰ دلاری ۳۶۰ هزار میلیارد تومان کسری داشت، با وضعیت فعلی نفت و وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، قطعاً کسری به مراتب بیشتری خواهد داشت.



ایران در عموم اقلام، یک وارد کننده صرف است. از گندم و سیب زمینی تا تجهیزات دیجیتال پیشرفته، اقلام وارداتی ایران هستند. در همین نمونه‌ی اخیر کرونا و افزایش تقاضا در بازار الکل، و با وجود چند واحد پتروشیمی در کشور، مشخص شد که شرکت‌های دارویی و بهداشتی، اتانول مصرفی خود را وارد می‌کرده‌اند و تنها کار بسته‌بندی و تلخ کردن اتانول توسط شرکت‌های داخلی انجام می‌شد!

بنابراین با یک حساب سرانگشتی می‌توان متوجه شد که احتمالاً در ماه‌های میانی سال آینده، کشور با بحران قحطی گسترده مواجه خواهد شد. حتی گندم مصرفی برای تولید نان خانوار ایرانی وارداتی و متکی به دلارهای نفتی است. بحران محتمل قحطی، که احتمالاً سرمایه‌دارانی که به رانت اطلاعاتی اقتصادی دسترسی دارند، بسیار پیشتر از من و شما آن را حدس زده‌اند و انبارهای خود را برای این آینده‌ی نزدیک پر کرده‌اند، تنها با اتحاد وسیع کارگران و زحمتکشان برای تغییر وضعیت موجود امکان‌پذیر خواهد بود. قحطی محتمل، بسیار پیشتر از کرونا ترسناک است و با تدبیری که از دولت سراغ داریم، می‌توان حدس زد که دولت تنها نقش تشدید بحران را خواهد داشت. فروپاشی کامل اقتصادی، هیچگاه این اندازه نزدیک، عینی و انضمامی نبوده است و برای تقابل با آن باید هوشیار بود...



دولت موظف است هزینه‌ی زندگی بیکار شدگان بر اثر کرونا را تامین کند!



افزایش دستمزد و بهبود معیشت اصلی‌ترین دغدغه‌های کارگران

علی صمد



در پایان هر سال با نزدیک شدن عید نوروز تعیین میزان افزایش حقوق کارگران به یکی از منازعات داغ و بحث برانگیز میان کارگران و کارفرمایان و دولت تبدیل می‌شود. موضوعی که برای همه کارمندان و کارگران دارای اهمیت بسیار است. شرایط بد اقتصادی و برخی سیاست‌های نئولیبرالی دولت روحانی روند تعیین دستمزد را با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه کرده است. هم از این رو همه منتظرند ببینند سرانجام نتیجه منازعات چه می‌شود و دستمزدها چقدر افزایش پیدا می‌کند.

معمولاً در نیمه آذرماه دولت لایحه بودجه سالیانه را به مجلس ارائه می‌دهد و بعد از تصویب بودجه سالیانه و مشخص شدن درصد افزایش حقوق کارمندان، بحث‌ها پیرامون افزایش حقوق کارگران نیز داغ می‌شود. در لایحه بودجه سال ۹۹ میزان افزایش دستمزد در نظر گرفته شده برای کارکنان دولت ۱۵ درصد بود. اما مجلس با رد لایحه بودجه دولت ادعا کرد که قصد دارد حقوق کارکنان دولت را ۵۰ درصد افزایش دهد. اما طرح مجلس بلافاصله با مخالفت رئیس سازمان برنامه و بودجه روبرو شد و نوبخت عمل شدن طرح مجلس را منوط به تأیید سازمان برنامه و بودجه نمود. همچنین بعداً معلوم شد که مجلس در واقع قصد چنین افزایشی را نداشته و بخشی از افزایش ادعایی مربوط به مزایای جنبی شغلی بوده است که از پیش به تصویب رسیده بود ولی در اجرای آن تعلل می‌کردند. بهمین جهت طرح مجلس با اعتراض سازمان معلمان ایران، خانه پرستار و کمپین معلمان برای افزایش دستمزد روبرو شد. در سال ۹۸، حداقل دستمزد کارگران ۱/۵۱۶/۸۸۲ تومان در نظر گرفته شده بود. این دستمزد از ابتدا با مخالفت کارگران روبرو شد و با خواست کارگران و تشکلهای مستقل کارگری که خواهان افزایش دستمزد به میلیون تومان بودند و همچنین با خط فقر فاصله عمیقی داشت. افزایش ۱۵ درصدی دستمزد در حالی است که مرکز آمار ایران نرخ رسمی تورم برای مهر امسال را ۴۲ درصد اعلام کرده است و باز این همه در حالی است که پیش‌بینی‌های تمامی



کارشناسان بر مبنای مجموعه وضعیت اقتصادی متلاطم ایران این است که این نرخ تورم در سال آینده اگر افزایش نیابد، کاهش هم نخواهد یافت.

جلسات شورای عالی کار

شورای عالی کار جلساتی جنجالی برای تعیین دستمزد با شرکت نمایندگان دولت روحانی، نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان شوراهای اسلامی کار که کاملاً دولتی می باشند برگزار می کند اما معمولاً از درون آن نتیجه قابل قبولی برای کارگران حاصل نمی شود.

جلسه ۲۰ اسفند شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سال ۹۹، بار دیگر به دلیل گسترش بیماری واکسیناسیون کرونا برگزار نشد. معمولاً قبل از پایان سال می بایست دستمزد سال آینده توسط این شورا تعیین و اعلام شود. موضوع دستمزد از اصلی ترین مسایل کارگران و مزدبگیران می باشد و عدم برگزاری چنین جلسه ای غیرقابل توجیه است بویژه اینکه تورم بالا در کشور، افزایش قیمت بنزین و تاثیر مستقیم آن بر سبد معیشتی مردم و در راس آن اقشار آسیب پذیر، نگرانی ها از تصمیمات مسئولین در روزهای پایانی سال در خصوص افزایش حقوق ها را بیش از پیش کرده است. کارگران با وجود اینکه می دانند تصمیم شورا امسال نیز فاصله زیادی با درخواست آنها و هزینه های واقعی زندگی و تورم خواهد داشت امید چندانی به آن ندارند. باید منتظر ماند و دید که جلسه ۲۶ اسفند شورای عالی کار تا پایان سال به کجا ختم خواهد شد و دستمزد کارگران در سال ۹۹ تا چه درصدی افزایش خواهد یافت؟

کمیته مزد شورای عالی کار و تعیین سبد معیشت کارگران

سبد معیشت برای کارگران مجموع هزینه های جاری یک خانواده ۴ نفره برای کنترل و مهار هزینه های خوراک، مسکن، تحصیل، بهداشت و درمان، پوشاک، حمل و نقل و نظایر آن، را مد نظر قرار می دهد و از جمله ملاک های تعیین کننده برای افزایش حقوق کارگران در سال آینده به حساب می آید.

برای سال ۹۹ کمیته مزد شورای عالی کار به منظور تعیین هزینه سبد معیشت کارگران در تاریخ ۵ اسفند برگزار شد و سبد معیشت کارگران را چهار میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین کرد و قرار است شورای مذکور بر مبنای این رقم و نیز نرخ تورم، حداقل دستمزد سال ۹۹ را مشخص کند.

ماده ۴۱ قانون کار چه می گوید؟

قانون کار جمهوری اسلامی تعیین حداقل دستمزد کارگران را بر عهده شورای عالی کار گذاشته است. ریاست این شورا را وزیر کار و امور اجتماعی بر عهده دارد. مقررات و شرایط حاکم بر دستمزد، بخش مهمی از حقوق کار را تشکیل می دهد. در زندگی کارگران معاش آنان به حقوق و مزد ارتباط مستقیم دارد. نقش



مزد در روابط کار از اهمیتی اساسی برخوردار است. شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

- ۱ - حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.
- ۲ - حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید.
- تبصره - کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت ننمایند و در صورت تخلف ضامن تادیه مابه‌التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می‌باشد.

پس مطابق ماده ۴۱ قانون کار دستمزد کارگران باید هر سال متناسب با نرخ تورم و هزینه سبد معیشت خانوار ترمیم شود. در سال‌های گذشته میزان افزایش دستمزد همواره حتی کمتر از نرخ تورم بوده است و حقوق قانون کار در سال جدید با این ارقام پاسخگوی نیاز کارگران نیست.



چگونگی تعیین حداقل دستمزد در ایران

موضوع مزد و تضمین پرداخت آن، از اصلی‌ترین مباحث حقوق کار بشمار می‌رود. تعیین حداقل مزد بیشتر به عنوان يك ابزار اساسی سیاست اقتصادی و اجتماعی مد نظر می‌باشد. در ایران چگونگی تعیین حداقل دستمزد در ماده ۴۱ قانون کار و تبصره‌های آن معین شده است. علاوه بر ماده ۴۱ قانون کار، ما استناد به مقوله نامه ماده ۱۳۱ سازمان بین‌المللی کار را نیز داریم که بر حداقل دستمزد تاکید دارد. حداقل دستمزد، مطابق تمام تعریف‌های موجود ارائه شده از طرف "حقوق بین‌المللی کار" ناظر بر حق برخورداری کارگران از زندگی درخور شان انسانی به ازای ساعت‌های کار هفتگی تعریف شده در قانون کار هر کشوری است.



حداقل دستمزد بایستی در چنان سطحی تعیین شود که به قدرت خرید مزدبگیران بینجامد. برای تعیین حداقل دستمزد ضرورت دارد که تعیین سطح حداقل مزد با هدف افزایش قدرت خرید و نه صرفاً جبران تورم افزوده شده و بر مبنای پژوهش دقیق و مذاکرات مستقیم میان اتحادیه‌های واقعی کارگری و کارفرمایی تعیین گردد.

افزایش دستمزد، تورم، و وضعیت معیشت و نقش تشکلهای کارگری

معیشت کارگران بیش از دیگر اقشار جامعه با سختی و دشواری روبروست و فاصله دریافتی کارگران با خط فقر جامعه هر روز بیشتر می‌شود. بدین ترتیب معیشت جزو اساسی‌ترین دغدغه‌های کارگران در جامعه محسوب می‌شود و با تعیین حداقل دستمزد باید بتوان در کوتاه مدت چتر ایمنی مناسب معیشتی برای حمایت از نیروی کار ایجاد کرد. اما سالهای زیادی است که معیشت خانوارهای کارگری به سختی می‌گذرد و هر سال بر دشواری‌ها افزوده می‌شود. بسیاری از فعالین و تشکلهای مستقل و آزاد کارگری و همچنین کارشناسان اقتصادی معتقدند که افزایش دستمزد با نرخ تورم و هزینه‌های زندگی همخوانی نداشته و ندارد. طی چند سال گذشته بارها نمایندگان از تشکلهای کارگری مطرح کرده‌اند که عدم افزایش واقعی دستمزد به کاهش قدرت خرید و وخیم‌تر شدن هم‌ساله وضعیت معیشتی کارگران منجر گردیده، چرا که هیچ‌گاه اصولاً افزایش مدنظر قرار نگرفته است و نمایندگان تشکلهای کارگری مستقل در مذاکرات شرکت داده نشده‌اند.

خط فقر و حداقل دستمزد

آمارها نشان از رشد ۲۰ درصدی خط فقر سال ۹۹ نسبت به خط فقر سال ۹۸ دارد. پیش‌بینی می‌شود در سال ۹۹ بالای ۶۵ میلیون نفر زیر خط فقر قرار بگیرند، این آمار شاید برای کشورهای جنگ‌زده عادی باشد اما در کشوری مانند ایران که معادن و ذخایر انرژی دارد بسیار تاسف‌برانگیز می‌باشد.

خط فقر در ایران تعریف شده است. خانم سهیلا جلودارزاده، نماینده تهران و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار اعتمادآنلاین به حدود خط فقر اشاره کرد و گفت: "در حال حاضر گفته می‌شود خط فقر هفت میلیون تومان است. علت این موضوع هم چاپ اسکناس بدون پشتوانه است. پول بی‌ارزش می‌شود چون چاپ آن بدون پشتوانه است. بنابراین افزایش حقوق‌ها با پول بدون پشتوانه قدرتی ندارد، زیرا موجب افزایش قدرت خرید نمی‌شود."

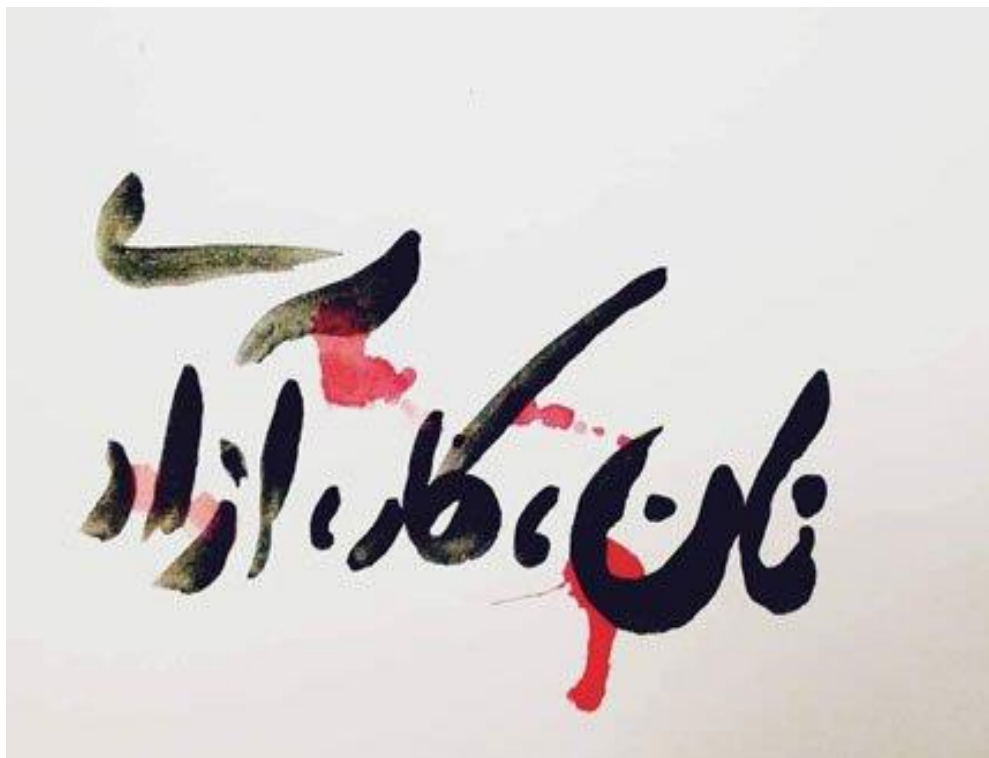
مسئولین حکومتی رقم خط فقر را از پنج و نیم تا هفت میلیون تومان اعلام کرده‌اند. هر کدام از این امارها درست اعلام شده باشد منطقاً حداقل دستمزد نیز به تبع آن نمی‌بایستی کمتر از این مبلغ باشد. اما حقوق کارگران تاکنون فقط می‌تواند ۳۰ درصد هزینه‌های زندگی را تامین کند. در واقع کارگران چند میلیون تومان زیر خط فقر دستمزد دریافت می‌کنند. کارگران در این وضعیت می‌خواهند دستمزدهایشان بر مبنای هزینه‌های واقعی زندگی و بالاتر از خط فقر باشد. نرخ فقر در شهر از ۵ درصد در سال ۸۴ به ۳۷ درصد در سال ۹۷ و نزدیک به ۴۰ درصد تا پایان سال ۹۸ رسیده است. البته خط فقر واقعی به مراتب بیش از آنی است که داده‌های رسمی می‌گویند.



ریشه کن کردن فقر مطلق یکی از شعارهای اصلی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ بود اما متأسفانه تا امروز نه تنها فقر مطلق از بین نرفته بلکه به شدت افزایش پیدا کرده است. آمار فقر مطلق در این سالها تا ۳۵ درصد افزایش داشته است. می‌توان گفت دولت روحانی در این حوزه رکورد بی‌سابقه‌ای را به نام خود ثبت کرده است. از طرفی این عدد زمانی معنادارتر می‌شود که آن را در عرصه جهانی بررسی کنیم. فقر ۴۰ تا ۵۰ درصدی در عرصه جهانی عدد بسیار نگران‌کننده‌ای است. یعنی از هر دو نفر، یک نفر. این نشان می‌دهد استراتژی دولت برای حذف فقر مطلق معکوس عمل کرده و فشارهای خارجی هم آن را تشدید کرده است.

نتیجه گیری

ناچیز بودن دستمزدها شرایط سختی را برای کارگران به وجود آورده است. حتی همان حقوق که زندگی زیر خط فقر را برای کارگران رقم می‌زند، به صورت مرتب پرداخت نمی‌شود. بالاین همه یکی از موارد اعتراضی کارگران همواره جدا از پایین بودن حداقل دستمزد، نبود ضمانتی برای پرداخت همان مبلغ اندک است. زیرا یکی از مهم‌ترین مسائل کارگران شاغل در ایران این است که دستمزدهایشان به‌موقع پرداخت نمی‌شود و آنان بارها و بارها مجبور شده اند به طرق مختلف اعتراض کنند تا بلکه بتوانند به حداقل دستمزدی که برای زندگی‌شان کافی هم نیست، دسترسی پیدا کنند.



دولت وظیفه دارد برای بیکاران کار ایجاد کند و به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!



دفتر چهارم "برگی از تجربیات اتحادیه های کارگری در ایالات متحده ی امریکا" از طرف انتشارات گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) منتشر شد:

برگی از تجربیات اتحادیه های کارگری در ایالات متحده ی آمریکا



دو مقاله از : کریس مانسانو و آکساندرا بردبری

ترجمه ی گودرز

دفتر چهارم



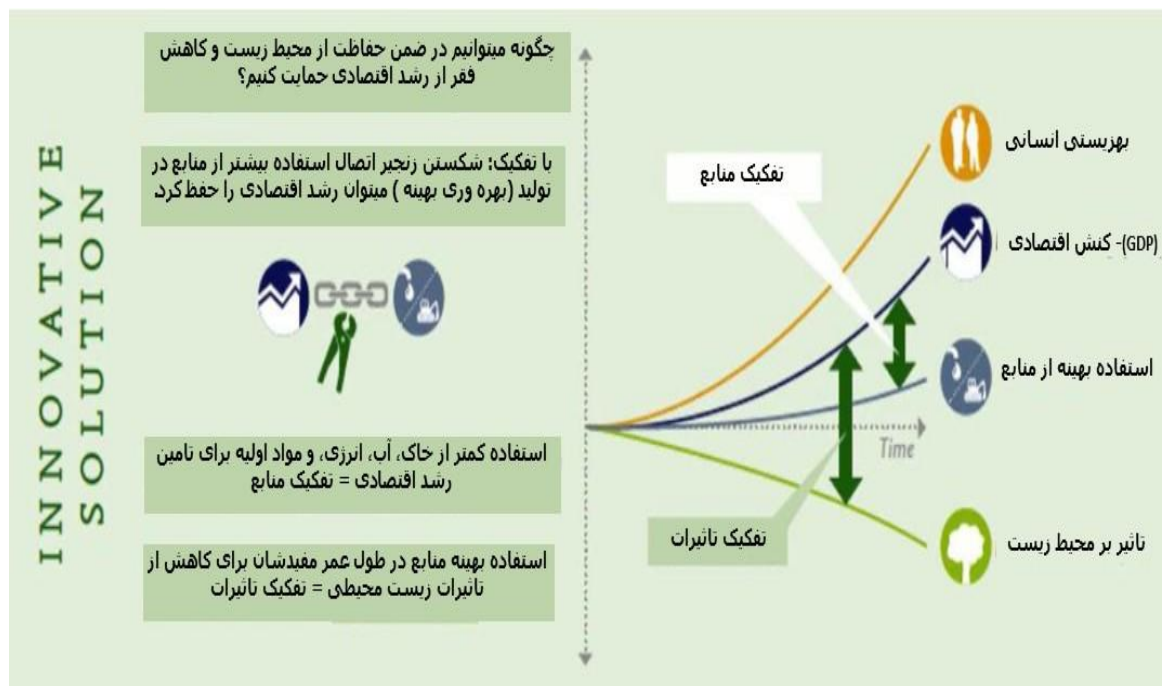
گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



اشتغال در اقتصاد سبز - بخش ۷

ترجمه گودرز اقتداری

شبکه سازمانهای پژوهشی برای ارزیابی اشتغال سبز - گزارش پیش انتشار ۲۰۱۷



استراتژی های جامع کشوری

گزارشی تحت نام "کشف مسیر راه به سوی اقتصاد سبز و فراگیر" چارچوب عناصر ممکن در یک راهبرد استراتژیک برای رسیدن به چنین اقتصاد فراگیری را نشان می‌دهد. یک اقتصاد فراگیر سبز بر اشتراک و گردش در مصرف، همکاری، همبستگی، انعطاف پذیری، فرصت سازی و وابستگی درونی عناصر استوار است. اصول طراحی یک اقتصاد فراگیر سبز به عناصر اجتماعی-زیست محیطی و گذار در سپهر گسترده اقتصاد پاسخگو خواهد بود. این اصول بر اصلاحات اقتصادی و مالی، تغییرات در قوانین مدون، نوآوری تکنولوژیک و تغییرات در اعطای وام و ایجاد مؤسسات توانمند و به ویژه اهمیت دادن به تأمین حمایت های اجتماعی و بر پایه منابع زیست محیطی تأکید دارند و بر موارد زیر استوار هستند.

توجه بر کار و اقتصاد

خواستار تغییرات اصلاحی گسترده اقتصادی و فرابخشی برای دستیابی به ابعاد گسترده پایدار در اقتصاد، اجتماع و محیط زیست- و در نتیجه "توسعه پایدار و فراگیر همراه با رشد اقتصادی پایدار و جامع، اشتغال مولد و کار مناسب برای همه".



توجه بر ساختار و مؤسسات عمومی

توسعه و تأمین و سرمایه گذاری در بهداشت عمومی—مانند زیربنای فیزیکی و زیست محیطی، قوانین اساسی، مقررات (به شمول حق مالکیت و مقررات زیست محیطی) و استاندارد های مدیریتی در کمپانی های تجاری و صنعتی.

سرمایه گذاری در زیرساخت های محیط زیستی

در میان اموال عمومی، نقش بنیادی و پایه ای محیط زیست سالم برای تأمین دراز مدت بهزیستی، امکانات اقتصادی و بهبود بازده اجتماعی. به رسمیت شناختن آزمون و پاسخگویی به ارجحیت های اقتصادی خدمت به محیط زیست به عنوان بخش عمده "درآمد سرانه تهیدستان" در محیط غیر شهری و کشور های در حال توسعه.

عملیاتی کردن اصول بر مبنای احتیاط

به رسمیت شناختن ریسک های امروز به عنوان هزینه های فردا، تصویب قوانین حفاظت عملی حتی در شرایطی که تمام ریسک های اقلیمی آن شناسایی نشده و افزایش ریسک های بهداشتی ناشی از فعالیت اقتصادی به طور علمی قابل ارزیابی نیست.

نوآوری برای پایداری اقتصاد

فرصت های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در تمامی اشکال نوآوری های اجتماعی، ساختاری، مالی و تکنولوژیک را در عمل شناسایی کنید. سرمایه گذاری در نوآوری های اقتصاد فراگیر سبز که تولید با کاهش مصرف، بازسازی تولیدات، استفاده مجدد از منابع، بازیافت مصرف شده ها، و جایگزینی منابع را در نظر دارد، تشویق کنید تا صحنه برای جا افتادن حلقه گردشی تولید و مصرف به طور واقعی آماده گردد.

مصرف منابع طبیعی را کنترل کنید

بهره وری بالا در مصرف منابع طبیعی، مدیریت پایدار منابع طبیعی، کنترل پایدار در تولید و مصرف از نیاز های ضرور برای رفع دلنگرانی در باره امنیت منابع طبیعی است و باید آن را تشویق کرد.

منابع انسانی را توسعه دهید

در افزایش توان و گنجایش نیروی انسانی کوشش نمایید تا شاهد زندگی افراد با عزت و امید به زندگی باشید. عدم تربیت کارگران با تخصص های ویژه برای اجتماع بسیار گران تمام خواهد شد، به اقتصاد پایدار و محیط زیست لطمه می زند، و به توسعه ناپایدار خواهد انجامید.

(1) - Advance print Nov 2017 Green Jobs Assessment Institutions Network (GAIN)



طرح کلی تاریخ کار - بخش پنجم

یان لوکاسن، انستیتو بین المللی تاریخ اجتماعی



تصویر موزائیک یک لاتیفوندا (موزه باردو)

جابجاییهای بلندمدت در مناسبات کار

تا اینجا من ۶ شکل اصلی از مناسبات کار را در تاریخ تمدن بشری تشخیص داده و جای هر کدام را در این تاریخ شناسایی کرده ام. اکنون سؤال این است: این مناسبات چگونه تغییر و تحول یافته اند؟ در بخش بعدی این نوشته خواهم کوشید ظهور این اشکال را در بخشهای مختلف دنیا در خلال ۴ تا ۵ قرن آخر ترسیم کنم. مهمتر این که من نه فقط رواج این مناسبات را بلکه همچنین جابجاییهای بزرگ در این اشکال را به دست خواهم داد. برای مثال ظهور و افول کارآفرینی مستقل، کار دستمزدی یا بردگی را در جریان تاریخ در نظر آورید. در سطور پیشین به بعضی از این جابجاییها اشاره شده است، مثل جابجایی از اشکال دولتی کار خراجگزارانه و بازتوزیعی در مزوپوتامیا، به جوامعی تحت سیطره بازار. بلافاصله باید اضافه کنم که من در این نوشته مختصر نمی توانم حق مطلب را در باره این موضوع پر دامنه ادا کنم. بالاتر از این، کار تحقیق مقدماتی لازم برای این امر به واقع تازه آغاز شده است. بنابراین من خودم را به ارایه حداقلی فاکتهایی محدود کرده ام، که ممکن است به عنوان نوعی "دست گرمی" جذاب به کار مورخانی بیاید که درگیر تاریخ جهانی کار و مناسبات کار اند. من مثال هایم را با بابل باستانی آغاز خواهم کردم سپس به دوران کلاسیک باستان جهش خواهم کرد، متعاقباً جهش باز هم بزرگتری به ۵۰۰ سال پیش خواهم داشت و سرانجام بر برخی وجوه مناسبات کار در جهان حاضر درنگ خواهم کرد.

داندمایف هنگام مقایسه امپراتوریهای بابل جدید و هخامنشیان با دولتهای پیش از آنها، به کشف قابل توجهی نایل شد: افول آشکار کار غیرآزاد و عروج مشاغل آزاد و کار دستمزدی. در مدت ۶ قرن قبل از میلاد، برده داری مشخصاً بر انجام امور خانگی ثروتمندان و امور معابد - که اتفاقاً کارگران آزاد بسیاری را نیز در استخدام داشتند - متمرکز شده بود. لاتیفوندا (زمینداری مبتنی بر کار بردگان) و دیگر واحدهای بزرگ تولیدی مبتنی بر کار بردگی دیگر وجود نداشتند.



یک تم مسلط در تاریخ اجتماعی - اقتصادی یونان و امپراتوری رم این است که تمدنهای کهن به واقع تا چه میزان "جامعه های برده داری" بوده اند. بارها و بارها نظرات متفکرانی چون افلاتون و سیسرون تکرار شده اند. آنها به دیده حقارت به کار دستی و به کسانی می نگرند که می باید از طریق کار گذران کنند. به خصوص یک جمله از سیسرون بسیار مشهور است: " آنچه برای یک آقا ناشایست و رکیک است، طرق معیشت تمام کارگرانی است که ما آنها را صرفاً برای انجام کار دستی، و نه برای مهارتهای هنری، به خدمت می گیریم؛ زیرا مزد واقعی که آنها دریافت می کنند، بابت تعهد آنان به بردگی است".

سیسرون و بیشتر مؤلفان کلاسیک کارگران دستی را در برابر صاحبان زمین قرار می دادند و فقط این دومیها را "شهروند واقعی"، یعنی کسانی که می توانستند و می بایست خود را وقف اداره جامعه کنند، به حساب می آوردند. به این معنا، مورخان شناخته شده تاریخ باستان، مثل موزز فینلی، تصویری از تمدنهای یونانی و رومی ساخته اند که گویا در آنها کار بردگی مسلط بوده است. این تفسیر، علیرغم دلایل قدرتمندی که خاصه اخیراً در برابر آن ارائه شده اند، همچنان نافذ است. به نظر می رسد که در واقعیت اکثریت بزرگ جمعیت از کشاورزان خرد مستقل، و یک لایه حیاتی از صنعتگران تشکیل می شد و کارگران مزدی، اگرچه در اقلیت، اما اقلیت مهمی بودند. تخمین مورخان از سهم مناسبات کار بسیار متفاوت است، اما توافق کنونی بر آن است که بردگان اقلیتی از جمعیت را تشکیل می دادند. در آغاز امپراتوری رم بردگان فقط ۱۷ درصد جمعیت آن را تشکیل می داده اند. تخمین کایل هارپر حتی از این هم کمتر است: بین ۱۰ تا ۱۵ درصد، و در قرن چهارم بعد از میلاد کمتر از ۱۰ درصد. به نظر هارپر، نسبت جمعیت بردگان، نه چنان که اغلب استدلال می شود، به دلیل فتوحات جنگی، بلکه به دلیل افزایش طبیعی تقریباً ثابت مانده بود. یکسوم بردگان برای کار در مزارع محصولات بازار، و دوسوم آنان به کار خانگی برای ثروتمندان و به خصوص فوق ثروتمندان به بردگی گرفته شده بودند. اما مهمترین استنتاج هارپر این است که رمیها، علیرغم هزینه سنگین برده داری، به دلیل کمبود کار دستمزدی و هزینه سنگینتر آن، مجبور به ادامه برده داری شده بودند. هرجا که، مثل مصر، کارگران دستمزدی بسیاری موجود بوده، دستمزدها پائین و برده داری به مراتب رواج کمتری داشته است.

یکی از برجستگی های امپراتوری رم دولت قدرتمندی بود که از دهقان اش حمایت و کار دستمزدی را میسر می کرد، و به رقابت قانونی در کار بردگی نظم می داد. دولتهائی بعدی که به جای امپراتوری آمدند، دولتهای ضعیفی بودند و قادر به ارائه همان دست حمایتها از منافع دهقانان نبودند. در نتیجه بازارها نیز فرو ریختند و فنودالیزم نامتمرکز مبتنی بر مناسبات کار سرواژ سر بر آورد. همزمان کار تولیدی بردگان در لاتیفوندها نیز از میان رفت. کار بردگی خانگی مدت طولانی تری دوام آورد. سپس اروپای غربی به تأمین کننده بردگان برای امپراتوریهای شرق و بیزانس تبدیل شد. به اعتباری امپراتوری بیزانس و نیز به ویژه خلافت بغداد، با شمار قابل ملاحظه بردگان شان، به جای امپراتوری رم نشستند.

مبارزه برای تشکیل سندیکاها و مستقل کارگری را تشدید کنیم!



بیکاران صدقه نمی‌خواهند، کار، یا حقوق بیکاری می‌خواهند!

صادق کار

وزیر تعاون با انتشار پیامی در توئیتر از پرداخت بسته حمایتی به تمام کسانی که شغل خاص یا درآمد ثابت ندارند، خبر داد.

محمد شریعتمداری در یک پیام توئیتری به اقشاری که شغل و درآمد ثابت ندارند وعده داده که دولت می‌خواهد در اسفند ماه یک بسته حمایتی به آنها بدهد. وزیر تعاون، کار و رفاه دولت روحانی در مورد محتوی بسته دولتی که وعده‌اش را داده است، نحوه توزیع آن و اینکه شامل چه کسانی می‌شود، توضیحی نداده است. احتمالاً منظور شریعتمداری از بسته حمایتی بایستی چیزی مشابه بسته‌های معیشتی باشد که در گذشته وعده‌اش را چند بار دادند ولی کمتر آن را عملی نمودند و مواقعی هم که به آن عمل کردند به دست عده محدودی رسیدند. افراد مورد نظری که قرار است بسته کمکی بگیرند، از نشانه‌هایی که در گفته شریعتمداری وجود دارد باید کسانی باشند که در اثر شیوع کرونا مشاغل و منابع درآمدشان را از دست داده‌اند. این بار نیز بعید است که بسته‌های کمکی در اختیار همه نیازمندان آن قرار گیرد. اصولاً نه سیستم توزیع کننده‌ای برای انجام این کار و نه امکان نظارت بر آن جود دارد و قرار هم نیست که این بسته‌ها تماماً از طریق تعاونی‌های کارگری و کارمندی توزیع شوند.

دادن بسته‌های حمایتی به افراد یکی از شگردهای تبلیغاتی فریبنده دولت روحانی است. این بسته‌ها که بی‌شبهت به صدقه نیستند، مثل آن می‌ماند که کسی جیب یکی را در خیابان بزند و در عوض از پولی که از خود او دزدیده پول بلیط اتوبوس رفتن طرف به خانه‌اش را بدهد و از او طلب دعا و تشکر هم داشته باشد!

دولت در برخورد با کارگران و اقشار فقیر جامعه برخورد مشابهی دارد. از دستمزدها و حق و حقوق آنها می‌زند، هزینه‌های درمان‌شان را بالا می‌برد، اندوخته‌هایشان در تامین اجتماعی به یغما می‌برد، آنها را از شمول قانون کار کنار می‌گذارد تا در هنگام بیکاری ناخواسته به آنها حقوق بیکاری ندهد، در عوض همه اینها با دادن یک بسته حمایتی که ارزش آن هر چه باشد نمی‌تواند بیشتر از ارزش یک ماه حقوق باشد، کار همان جیب بر را با کارگر می‌کند.

چرا باید کارگر آنقدر وضع‌اش خراب باشد، که محتاج چنین کمک‌های شود؟ چرا نباید کارگر در هنگام بیکاری ناخواسته حقوق بیکاری بگیرد؟

چرا این همه بیکار باید در کشور وجود داشته باشد؟ چرا این همه زن و مرد تحصیل کرده بایستی دستفروشی کنند؟ اینها سؤالی هستند که دولتمردان حاضر به پاسخ دادن به آنها نیستند و پاسخ‌های درستی هم برایشان مطمئناً ندارند.

هر وقت بحث افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی، همسان‌سازی حقوق و پرداخت حقوق بیکاری پیش می‌آید قضیه حاد و فشار به دولت در ارتباط با آنها بالا می‌گیرد، وعده بسته‌های کمکی برای تعدیل فشارها هم به میان می‌آید!

اکنون نیز که ظرف کمتر از چند هفته ده‌ها هزار نفر از کارگران و کارکنان هزاران موسسه کوچک و بزرگ در اثر پیامدهای فاجعه بار شیوع کرونا از کار بیکار شده‌اند و هزاران نفر دیگر از همان افرادی که به قول شریعتمداری کار و شغل خاصی ندارند هم از دستفروشی محروم شده‌اند، دولت بجای اینکه به آنها حقوق بیکاری پرداخت کند، با



اینکه می داند اگر به این افراد حقوق بیکاری ندهند گرسنه می مانند، تلاش می کند با ترفند دادن بسته حمایتی آن هم تنها در ماه اسفند آنها را فریب و از زیر بار مسئولیت اش شانه خالی کند!

بهانه هم مثل همیشه کمبود بودجه و تهی بودن صندوق تامین اجتماعی و بهانه های از این دست است که البته در ظاهر چنین است. اگر دولت بدهی های ۲۲۰۰ هزار میلیاردی اش به صندوق تامین اجتماعی را به آن بر گرداند و دست از غارت اموال سازمان تامین اجتماعی بردارد آیا باز هم این سازمان قادر به انجام وظایف قانونی اش نخواهد بود؟ آیا اگر ثروت های کلان ملی که در اختیار بنیادهای رنگارنگ قرار داده شده و معلوم نیست درآمدهای سرشار آنها از کجا سر در می آورند از مافیاهای حکومتی پس گرفته شوند و درآمدهای آنها در جهت تقویت بنیه تامین اجتماعی، ایجاد اشتغال، بهبود زیر ساخت های بهداشتی و آموزشی گردد تا کشور آمادگی های لازم برای مقابله با فجایع طبیعی و بحرانهای مختلف را داشته باشد باز هم بودجه برای پرداخت حقوق بیکاری وجود نمی داشت؟

این بسته به فرض اینکه در اختیار همه نیازمندان قرار گیرد که نمی گیرند، تغییری در وضعیت اسفبار معیشتی و زیستی میلیون ها انسان بیکار و شاغلین و بازنشستگانی که دستمزدها و حقوق هایشان کمتر از یک سوم هزینه های خانوار است ندارد. کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان، بازنشستگان دنبال کمک صدقه ای نیستند، آنها کار و زحمت می کشند و در عوض آن مزدی را طلب چرخ اقتصاد را می چرخانند خواهان افزایش دستمزدها و حقوق هایشان هستند.

به گزارش ایلنا، محمد شریعتمداری در توییتش نوشت: حمایت از اقشار کمدرآمدی که درآمد ثابت ندارند از مهم ترین اولویتهای ماست. با دستور مهم رئیس جمهور و همراهی سازمان برنامه، به کلیه کسانی که شغل خاص با درآمد ثابت ندارند در اسفند یک بسته حمایتی پرداخت می شود. این افراد با کمک بانک اطلاعاتی ایرانیان شناسایی یا ثبت نام می شوند.



فعالین محیط زیست را بدون قید و شرط آزاد کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



موج فزاینده نگرانی کارگران از آلودگی به ویروس کرونا و سرنوشت شغلی و معیشتی شان، جان باختن شمار دیگری از پرستاران، پزشکان و کارکنان بیمارستانها در اثر ابتلا به ویروس کرونا، پرداخت نشدن دستمزدها و عیدی کارگران در آستانه نوروز، نامه خانه پرستار به رئیس جمهور، موافقت کارفرمای نیشکر هفت تپه با پرداخت حق بیمه بازنشستگی ۲۰۰ کارگر پس از دوماه اعتراض و تجمع کارگران، اعتراض معلمان نسبت به طرح افزایش دستمزد مجلس، فروش، قسطی کالا به بازنشستگان به جای افزایش حقوق بازنشستگی ادامه سرکوب پرستاران، مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده هفته بودند.

افزایش موج نگرانی از ویروس کرنا و پیامدهای آن در میان مزدبگیران

متأسفانه در این هفته نیز شمار افراد مبتلا به ویروس کرونا و همچنین تعداد جانباختگان آن افزایش یافت. بویژه در استانهای گیلان و تهران ابعاد آن بیش از سایر مناطق کشور گزارش شده است. در گیلان و مازندران چند پزشک و پرستار و کارکنان بیمارستان عمدتاً بواسطه در اختیار نداشتن وسایل پیشگیرانه و بهداشتی کافی و با کیفیت جان باختند. آنها فداکارانه و با علم به خطراتی که تهدید شان می کرد تا جان در بدن داشتند به مسئولیت های انسانی و شغلی شان عمل کردند. متأسفانه بواسطه فقدان وسایل پیشگیرانه خطر همچنان سلامت و جان کادر درمانی را تهدید می کند و بیشتر آنها تجهیزات کافی برای دفاع از سلامتی خودشان به هنگام مداوای بیماران مبتلا به ویروس را در اختیار ندارند. مقامات مسئول نیز بطوری که نشان داده اند فاقد توان مدیریتی لازم برای تامین وسایل ایمنی و بهداشتی و مدیریت فاجعه هستند و این خود سبب افزایش شیوع ویروس و قربانیان آن شده است.

نگرانی از ویروس در میان کارگران نیز روز به روز در حال افزایش است. کارگران علاوه بر نگرانی از مبتلا شدن شان به واسطه نامناسب بودن شرایط بهداشتی و ایمنی در کارخانه ها و نگران انتقال ویروس به میان خانواده



هایشان هستند. آنها مجبورند با این خطر دسته و پنجه نرم کنند. کارفرمایان و مدیران دولتی نیز همچنان بدون توجه به مخاطراتی که کارگران را تهدید می کنند نه حاضر به تعطیلی و تقلیل ساعات کار آنها هستند و نه اقدامی برای بهبود ایمنی محیط های کار کارگران می کنند. کارگران فشار روانی و روحی بخاطر مبتلا شدن به ویروس از یکسو، و نگرانی از بیکار شدن را بایستی تحمل کنند.

پرداخت نشدن دستمزد و عیدی ها در آستانه نوروز

در حالی که چند روزی بیشتر به عید نوروز نمانده، هنوز دستمزد های معوقه و عیدی های کارگران به آنها پرداخت نشده اند. پرداخت نشدن دستمزدها در این هفته با موجی از اعتصاب و اعتراض کارگران چند کارخانه و شرکت از جمله در میان کارگران پیمانی شبکه بهداشت و درمان گچساران، کارگران مخابرات روستایی، کارگران شهرداری یاسو، کارگران قراردادی و شرکتی جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد، کارگران شهرداری الوند ... مواجه شد.

ویروس کرنا نیز امسال به بهانه های سالهای گذشته برای پرداخت نکردن به موقع دستمزدها، خصوصا در کارخانه های خصوصی و شرکت های پیمانکاری به دست آویزی برای طفره رفتن از افزایش دستمزدها تبدیل شده است.

اعتراض سازمان معلمان ایران به عدم افزایش واقعی دستمزد معلمان در سال ۹۹ سازمان

معلمان ایران در بیانیه که در ۲۱ بهمن منتشر نمود نسبت به طرح افزایش دستمزد سال آینده معلمان اعتراض نمود و خواهان افزایش واقعی دستمزد معلمان شده است. در قسمتی از این بیانیه که در خبرگزاری "ایلنا" منتشر شد، این سازمان در باره علل مخالفت خود با طرح مذکور گفته شده: "معلمان مدت هاست در پی ارتقای سطح معیشت و دریافتی های خود هستند که نتیجه ای نداشته است. همیشه حرف معترضان، اجرای عدالت در پرداخت ها و همسان سازی با سایر نهادها و دستگاه ها بوده است اما هیچگاه این مطالبه قانونی به طور کامل اجرا نشده است... سازمان معلمان ایران، صدور احکام حقوقی جدید را موجب اعتراض و نارضایتی گسترده معلمان دانسته و خواستار تامین اعتبارات لازم برای رفع این اعتراض شده است". دو روز قبل از این اعتراض نیز هزاران معلم دیگر که نسبت به نحوه افزایش دستمزد های شان معترض هستند، کمپینی را به منظور افزایش دستمزد به راه انداختند. "علیرضا دهقان با بیان اینکه بیش از ده هزار معلم نسبت به اجرای ۵۰ درصد افزایش فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری اعتراض دارند، می گوید: برخی فیش های حقوقی فقط دویست تومان افزایش یافته است!"

این معلم که جز سازماندهندگان کمپین اعتراضی معلمان است در قسمت دیگری راجع به این ترفند گفت: "مشکل اینجاست که پس از اجرای این ۵۰ درصد، حق شغل حرفه ای مصوب سال ۹۴ را کاملاً از احکام حقوقی معلمان حذف کردند و به جای آنکه مثل همه وزارتخانه ها، ۵۰ درصد را به حقوق فعلی معلمان اضافه کنند، افزایش های ناشی از حق شغل و افزایش ۱۵ تا ۴۵ درصدی رتبه بندی را حساب کردند و مانده آن را (۵۰ درصد منهای این افزایش ها) به حقوق معلمان افزودند؛ به طوریکه برای رتبه های بالا، بعد از کسر افزایش ها، چیزی به حقوق معلمان اضافه نشد.



نمایندگان مجلس زیر نقاب حمایت از افزایش دستمزدها سعی کرده‌اند با این ترفند تبلیغاتی معلمان و اذهان عمومی را بفریبند، اما از این غافل هستند که معلمان آگاه‌تر از آن هستند که فریب ترفندهای نمایندگان فاسد و دزد مجلس ارتجاع را بخورند. بودجه حقوق معلمان و بازنشستگان بجای پرداخت به آنها توسط همین نمایندگان به حوزه های علمیه فرهنگ ستیز و موسسات مشابهی که امثال مصباح و مکارم شیرازی ها درست کرده‌اند و به اشاعه ارتجاع و خرافات در جامعه و پاسداری از استبداد و بی عدالتی مشغولند، داده می شود .

خانه پرستار خواستار رسیدگی به مطالبات پرستاران و تجهیز بیمارستانها شد

خانه پرستار در نامه‌ای که خطاب به روحانی نوشت، ضمن برشمردن مطالبات پرستاران و اعتراض به نادیده انگاشته شدن توصیه های گذشته این تشکل در مورد وضعیت بخش بهداشت و کمبود ها و تبعیضات گوناگون به دولت خواستار تامین وسایل مورد نیاز بیمارستانها و کادر درمانی و تجهیز آنها برای مقابله با ویروس کرونا، تجدید نظر در طرح تبعیض آمیز افزایش دستمزد پرستاران و رسمی کردن پرستاران غیر رسمی شده است .

چهار مطالبه اصلی خانه پرستار از دولت که در این نامه درخواست شده‌اند عبارتند :

۱- تامین ملزومات و تجهیزات حفاظتی و ایمنی جهت پیشگیری از انتشار بیشتر آلودگی به مردم و حفظ سلامت و جان گروه پرستاری و کادر درمان؛

۲- ابلاغ رسمی همسان سازی افزایش حقوق ۵۰ درصدی برای همه گروه های پرستاری اعم از رسمی، پیمانی، تبصره ۳، تبصره ۴ شرکتي، طرحی به دانشگاه های علوم پزشکی؛

۳- دستور صدور مجوز ۲۰ هزار استخدام پرستار با عنایت به عدم استخدام پرستاران طی چند سال گذشته با اولویت پرستاران تبصره ای و شرکتي که مردم بتوانند حداقل خدمات پرستاری را دریافت نمایند؛

۴- اجرای قوانین برجای مانده پرستاری به ویژه قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که خدمات پرستاری همچون بقیه خدمات بهداشت درمانی تعرفه داشته باشد و اجرای عملی قانون سخت و زیان آوری حرفه پرستاری و اجرای کامل قانون ارتقای بهر موری ."

اعتراضات کارگران نی بر کارفرما را مجبور به پرداخت حق بیمه بازنشستگی کرد

اعتراضات کارگران نی بر هفت تپه طی دو ماهه اخیر برای پرداخت حق بیمه بازنشستگی سرانجام کارفرما را مجبور به پذیرش پرداخت حق بیمه کارگران که مانع بازنشستگی ۲۰۰ کارگر شده بود، نمود. کارفرما در نهایت با پرداخت حق بیمه معوقه کارگران به تامین اجتماعی به صورت اقساطی موافقت نمود. با وجود این عقب نشینی اما برای تثبیت نتیجه مبارزات کارگران لازم است هوشیاری خود را حفظ و تا قبل از ابلاغ احکام بازنشستگی شان توسط سازمان تامین اجتماعی در صحنه حضور داشته باشند. تجربه کارگران نی بر بار دیگر به کارگران آموخت که



با مبارزه و همبستگی می توانند از حق و حقوق شان و اجحاف هایی که از طرف کارفرمایان و حامیان آنها در دستگاه های حکومتی علیه شان اعمال می شود دفاع کنند و تعرض آنها را بی اثر نمایند .

اگر از کرونا جان سالم به در ببریم، از ویروس ناکارآمدی در هپکو می میریم!

کارگران حق طلب و مبارز هپکو در ادامه مبارزات حق طلبانه شان علیه خصوصی سازی کارخانه شان در این هفته در پی ادامه تلاشهای سازمان خصوصی سازی، (بخوان بنیاد غارتگران منابع و اموال عمومی) با صدور بیانیه ای نسبت به تلاش هایی که برای فروش سهم هپکو در جریان است واکنش نشان دادند. در بیانیه کارگران هپکو که به دلیل کرونا بجای تجمع منتشر شد، کارگران پس از اشاره به ناکارآمدی مدیریت بحران کرونا و پیامدهای آن ناکارآمدی مدیران در ارتباط با هپکو را کشنده تر از ویروس کرونا برای کارخانه شان عنوان کردند. ایلنا به نقل از این بیانیه نوشت: "درحالیکه سایه شوم ویروس منحوس کرونا در وانفسای عدم مدیریت بحران، مردم کشور عزیزمان را درگیر خود کرده است، ویروس منحوس دیگری با نام ویروس بی تدبیری، رانت، عدم تعهد، عدم شفافیت و... در حال از بین بردن پیکره بی رمق شرکت هپکو است... در بخش دیگری از بیانیه کارگران هپکو در اعتراض به فروش یک درصد از سهام بلوکی هپکو می خوانیم: آقایان مسئول در سازمان خصوصی سازی - در شرایطی که بدهی های شرکت هپکو بعنوان یک صنعت مادر تخصصی، پیرو همین سیاست های غلط و بی تدبیرانه به بیش از هزار میلیارد تومان رسیده و عملاً تولیدات آن به صفر رسیده و کارگران آن بیش از ۳ ماه مطالبات و عیدی معوق دارند - به جای تلاش برای رفع مشکلات، با بکار گماردن مدیران ناکارآمد در هپکو و تولید همزمان برخی اخبار کذب، قیمت سهم را بالا می برند و سپس خودشان در راستای جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت سهم، بخشی از سهام کنترلی را به فروخته و وجه آن را به خزانه دولت واریز می کنند". بیانیه کارگران هپکو نشان می دهد که کارگران قصد ندارند در مقابل ترفندهایی که برای ملاحور شدن کارخانه شان توسط سازمان خصوصی سازی بکار گرفته می شوند کوتاه بیایند .

فروش قسطنی کالاهای ضروری بجای افزایش حقوق بازنشستگی!

در حالی که بازنشستگان سالهاست به اشکال مختلف به ناچیز بودن حقوق بازنشستگی اعتراض می کنند و رشد شتابان بی وقفه گرانی و تورم و سقوط ارزش ریالی حقوق ها، دم به دم عرصه را برای تامین معیشت بر مزدبگیران شاغل و بازنشسته تنگتر می کند، مسئولان دولتی همچنان با شگردهای مختلف از افزایش دستمزدها طفره می روند و در عوض آن به بازنشستگان توصیه می کنند که مایحتاج شان را قسطنی و از فروشگاه هایی که آنها برایشان انتخاب می کنند بدون پرداخت بهره تهیه کنند!

از نظر وزیر رفاه و مدیرکل تامین اجتماعی گویا با تهیه امکان خرید بدون بهره لطف بزرگی به بازنشستگان نموده اند و آنرا یک امتیاز مهم می دانند که به آنها هدیه کرده اند .



طرح وزیر رفاه و مدیر کل تامین اجتماعی چیزی جز شیره مالیدن بر سر بازنشستگان و تضعیف تعاونی های مصرف به سود فروشگاه های زنجیره ای خصوصی نیست. بالطبع فروش قسطی نه تنها هیچ مشکلی از وضعیت وخامت بار معیشتی بازنشستگان کم نمی کند، بلکه بر آن می افزاید.

بازنشستگان هم اکنون نیز می توانند از تعاونی های مصرف بخشی از کالاهای مورد نیازشان را ارزانتر از فروشگاه های زنجیره ای و بصورت قسطی تامین کنند و سود آن هم در نهایت بجای آن که به جیب صاحبان ثروتمند فروشگاه های زنجیره ای سرازیر شود، نصیب تعاونی و خودشان می شود. دولت بجای بکار گرفتن این گونه شگردهای مزورانه بایستی حقوق های بازنشستگی را افزایش دهد، بدهی های کلان خودش را به تامین اجتماعی پرداخت و دست از غارت اموال این سازمان بردارد و تعاونی های مصرف را تقویت نماید.

ادامه مجازات پرستاران!

ماشین سرکوب رژیم حتی در بدترین و بحرانی ترین شرایط دست از سرکوب مردم بر نمی دارد. در هفته ی گذشته خبر اخراج یک پرستار شاغل در بیمارستان امام رضا مشهد به دلیل شرکت در یک اعتراض صنفی و اعتراض پرستاران همکار او نسبت به اخراج اش را منتشر کردیم. این هفته از بازداشت یک پرستار دیگر به دلیل اطلاع رسانی در مورد وضعیت بیماران و کادر درمانی و کمبود هایی که باعث مرگ و آلودگی مبتلایان و کادر درمانی می شوند مطلع شدیم. این اعمال حاکی از آن اند که دستگاه سرکوب رژیم در بحرانی تر شرایط نیز حاضر به دست کشیدن از اعمال جنایتکارانه اش نیست و حفظ منافع نامشروع رژیم نالایق و فاسد را بر جان و امنیت شهروندان ترجیح می داند.

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

توجه: به اطلاع خوانندگان نشریه هفتگی جنگ کارگری می رسانیم که شماره ۶۰ نشریه به مناسبت تعطیلات عید نوروز با یک هفته تاخیر انتشار خواهد یافت.